

واکاوی گفتمان سیاسی دکتر پزشکیان:

نگاهی پیکره‌محور به نشانگرهای گفتمانی

چکیده:

نشانگرهای گفتمانی به عنوان واحدهای زبانی کوچک اما پرکارکرد نقشی اساسی در شکل‌دهی انسجام متن، جهت‌دهی استدلال و مدیریت روابط قدرت در گفتمان سیاسی ایفا می‌کنند. این پژوهش با رویکردی پیکره‌محور و شناختی به بررسی ده نشانگر گفتمانی منتخب در سخنرانی‌ها، مناظره‌ها و مصاحبه‌های دکتر مسعود پزشکیان در بازه زمانی فروردین ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۴ می‌پردازد. پیکره زبانی این مطالعه شامل داده‌هایی از مجالس رسمی، مناظره‌های انتخاباتی، گفت‌وگوهای رسانه‌ای و نشست‌های عمومی است که به روش نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها بر اساس چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان (فرکلاف، ۱۹۹۵؛ ون‌دایک، ۲۰۰۸) و با تلفیق دیدگاه‌های زبان‌شناسی شناختی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پزشکیان با بهره‌گیری از نشانگرهایی همچون «اما»، «البته»، «در واقع» و «اگر» ضمن ایجاد انسجام و پیشبرد تعامل، به تنظیم مسائل، ترسیم مرزهای ایدئولوژیک و تقویت مشروعیت مواضع سیاسی خود می‌پردازد. این نشانگرها علاوه بر کارکردهای زبانی ابزارهایی برای ایجاد و تولید قدرت در سطح گفتمان به‌شمار می‌روند. نتایج این پژوهش ضمن گسترش ادبیات موجود در زمینه پیوند زبان و سیاست می‌تواند در تحلیل گفتمان رهبران سیاسی و طراحی پیام‌های استراتژیک در بافت‌های سیاسی و دیپلماتیک به کار رود.

کلیدواژه‌ها: نشانگر گفتمانی، گفتمان سیاسی، تحلیل انتقادی گفتمان، زبان‌شناسی شناختی، دکتر مسعود پزشکیان، تحلیل پیکره‌محور

۱. مقدمه

زبان نه تنها ابزاری برای انتقال اطلاعات بلکه عرصه‌ای برای ایجاد و مشروعیت‌بخشی به قدرت است (فرکلاف، ۱۹۹۵؛ ون‌دایک، ۲۰۰۸). در بافت سیاسی واژه‌ها و ساختارهای زبانی می‌توانند افکار عمومی را شکل دهند، هویت‌های جمعی را بازتعریف کنند و دستور کار سیاسی را هدایت نمایند (چیلتون و شافنر، ۲۰۰۲). از این منظر، تحلیل زبان سیاست مداران صرفاً بررسی جنبه‌های نحوی یا واژگانی نیست، بلکه مطالعه‌ای چندلایه بر شبکه‌ای از روابط اجتماعی، ایدئولوژیک و نهادی است. در ایران فضای سیاسی معاصر شاهد ظهور گفتمان‌هایی متنوع است که هر یک در تعامل با زمینه‌های اجتماعی و تاریخی شکل گرفته‌اند. یکی از نمونه‌های برجسته گفتمان دکتر مسعود پزشکیان است که ترکیبی از صراحت انتقادی، ارجاع به ارزش‌های اخلاقی، و تأکید بر شفافیت و عدالت را ارائه می‌دهد.

¹ - Fairclough

² - van Dijk

³ - Chilton & Schäffner

نشانگرهای گفتمانی⁴ عناصری هستند که در ظاهر نقش معنایی مستقل ندارند، اما در عمل، سازوکارهای کلیدی انسجام بخشی، جهت دهی استدلال و مدیریت تعامل را در گفتمان فراهم میکنند (فریسر ۱۹۹۹: شیفین ۱۹۸۷). این عناصر می‌توانند روابط علی، تضاد، نتیجه‌گیری، تأکید یا تعدیل را به شنونده القا کنند و از این طریق مسیر تفسیر پیام را هدایت نمایند. در گفتمان سیاسی، این نشانگرها گاهی به‌عنوان ابزارهای استراتژیک برای تأثیرگذاری بر ادراک مخاطب و ایجاد چارچوب‌های معنایی خاص عمل می‌کنند (اجمر، ۲۰۱۳).

تحلیل پیکره‌محور با فراهم کردن داده‌های گسترده و واقعی از متون گفتاری یا نوشتاری، امکان مشاهده الگوهای تکرارشونده و بررسی کمی-کیفی نشانگرها را فراهم می‌آورد (بیر، جانسون، لیچ، کنراد، فینگن، ۱۹۹۹). در کنار آن زبان‌شناسی شناختی بر این فرض استوار است که زبان بازتاب‌دهنده ساختارهای مفهومی و فرایندهای ذهنی گوینده است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶). ترکیب این دو رویکرد به‌ویژه در حوزه گفتمان سیاسی، می‌تواند نشان دهد که چگونه سیاستمداران از منابع زبانی برای سازمان‌دهی استدلال‌ها، تنظیم چارچوب مسائل و هدایت برداشت‌های شنوندگان استفاده می‌کنند.

مسعود پزشکیان به‌عنوان پزشک، استاد دانشگاه و سیاستمدار با سابقه وزارت و نمایندگی مجلس، جایگاهی متمایز در فضای سیاسی ایران دارد. او در دوره‌های مختلف چه به‌عنوان نماینده مجلس و چه در رقابت‌های انتخاباتی، گفتمانی مبتنی بر صداقت، انتقاد از فساد، و تأکید بر شفافیت ارائه کرده است (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۳). در جریان انتخابات ۱۴۰۳، لحن و استراتژی زبانی وی که ترکیبی از نشانگرهای همدلانه («بینید»، «اجازه بدهید») و نشانگرهای انتقادی («اما»، «این در حالی است که») بود، به ابزاری برای تمایز خود از رقبا و جلب اعتماد رأی‌دهندگان تبدیل شد (ون دایک، ۲۰۰۵).

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه تحلیل گفتمان سیاسی در ایران (رفیعی، ۱۴۰۱؛ صادقی و محمدی و رحیمی، ۱۳۹۹)، کمتر مطالعه‌ای به تحلیل پیکره‌محور و شناختی نشانگرهای گفتمانی در سخنان یک سیاستمدار ایرانی معاصر پرداخته است. این خلأ به‌ویژه در مورد پزشکیان که گفتمانش تلفیقی از زبان انتقادی و سازنده است، ضرورت انجام پژوهشی جامع را دوچندان می‌کند. مقاله حاضر با تمرکز بر ده نشانگر گفتمانی پرکاربرد در پیکره سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های پزشکیان، می‌کوشد ابعاد زبانی و شناختی معماری گفتمان سیاسی وی را آشکار سازد. در این پژوهش، ابتدا ده نشانگر گفتمانی پرکاربرد در گفتمان سیاسی پزشکیان شناسایی و طبقه‌بندی می‌شود. سپس کارکردهای زبانی، شناختی و سیاسی این نشانگرها در بافت‌های مختلف از جمله موقعیت‌های رسمی، انتخاباتی و رسانه‌ای، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، نقش این نشانگرها در تولید قدرت و چارچوب‌بندی

⁴ - discourse markers

مسائل سیاسی تبیین خواهد شد. بر این اساس پرسش‌های اصلی تحقیق عبارت‌اند از: مهم‌ترین نشانگرهای گفتمانی مورد استفاده پزشک‌ان کدامند و با چه بسامدی به کار می‌روند؟ این نشانگرها چگونه در شکل‌دهی به استدلال‌ها و چارچوب‌بندی مسائل نقش‌آفرینی می‌کنند؟ چه پیوندی میان انتخاب این نشانگرها و اهداف سیاسی-ایدئولوژیک وی وجود دارد؟

۱.۱. مبانی نظری و اثبات وجود گفتمان

مفهوم گفتمان در زبان‌شناسی و علوم سیاسی تفاوت‌های قابل توجهی در تمرکز اصلی، سطح تحلیل، رابطه با قدرت، نظریه‌پردازان کلیدی و کاربرد دارد. در زبان‌شناسی، گفتمان بر ساختار و کاربرد زبان در متون و تعاملات کلامی متمرکز است، با تأکید بر جنبه‌هایی مانند انسجام متنی، پیوستگی و روابط بین‌متنی، و بیشتر در سطح خرد، یعنی تحلیل جملات و مکالمات، بررسی می‌شود (پالتریج، ۲۰۲۱). در مقابل، در علوم سیاسی، گفتمان به مجموعه‌ای از ایده‌ها، باورها و روایت‌هایی اشاره دارد که واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی را شکل می‌دهند و در سطح کلان، یعنی ساختارهای قدرت، هویت‌های جمعی و ایدئولوژی‌ها، تحلیل می‌شود (هورات و استاوراکاکیس، ۲۰۰۰). از منظر رابطه با قدرت، زبان‌شناسی به بررسی قدرت در تعاملات زبانی، مانند آنچه در تحلیل گفتمان انتقادی دیده می‌شود، می‌پردازد، در حالی که علوم سیاسی گفتمان را ابزاری برای بازتولید یا مشروعیت‌بخشی به ساختارهای قدرت می‌داند (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵). نظریه‌پردازان کلیدی در زبان‌شناسی شامل هالیدی، فرکلاف و ون‌دایک هستند که بر تحلیل متنی و گفتمان انتقادی تمرکز دارند، در حالی که در علوم سیاسی، فوکو، لاکلاو و موفه با تأکید بر مفاهیمی مانند قدرت، دانش و هژمونی برجسته‌اند. در نهایت، کاربرد گفتمان در زبان‌شناسی بیشتر به تحلیل متون، مکالمات و رسانه‌ها از منظر زبانی معطوف است (جی، ۲۰۱۴)، در حالی که در علوم سیاسی، گفتمان برای بررسی سیاست‌گذاری‌ها، هویت‌سازی‌های سیاسی و ایدئولوژی‌های اجتماعی به کار می‌رود (ون‌دایک، ۱۹۹۳). همین تفاوت در رویکردها نشان می‌دهد که نخستین گام در هر پژوهش گفتمانی، تعیین این نکته است که داده‌های پژوهش واقعاً یک «گفتمان» منسجم را شکل می‌دهند و نه صرفاً مجموعه‌ای از متون یا اظهارات فردی؛ چرا که بدون این تمایز، نتایج تحلیل نه در زبان‌شناسی معتبر خواهد بود و نه در علوم سیاسی.

براساس چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان از دید فرکلاف (۱۹۹۲، ۱۹۹۵) گفتمان تنها متن نوشتاری یا گفتاری نیست، بلکه سه بُعد به هم پیوسته دارد: (۱) ویژگی‌های زبانی متن، (۲) فرایندهای تولید و تفسیر متن (عمل گفتمانی) و (۳) بستر اجتماعی-تاریخی که در آن متن معنا می‌یابد. ون‌دایک (۱۹۹۳) نیز گفتمان سیاسی را کنشی می‌داند که در آن زبان برای اعمال و بازتولید قدرت و ایدئولوژی به کار گرفته می‌شود. با تکیه بر این چارچوب، می‌توان نشان داد که مجموعه سخنرانی‌ها، مناظره‌ها و مصاحبه‌های دکتر مسعود پزشک‌ان در بازه زمانی فروردین ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۴ واجد تمامی شاخص‌های لازم برای یک گفتمان سیاسی است.

نخست، از نظر زبانی، داده‌ها دارای انسجام درونی و تم‌های تکرارشونده‌اند و نشانگرهای گفتمانی همچون «اما»، «البته»، «در واقع» و «اگر» در آنها به فراوانی حضور دارد. این عناصر کوچک زبانی پیونددهنده، علاوه بر ایجاد انسجام متنی، مسیر استدلال را هدایت کرده و به سخنران امکان می‌دهند تعامل را مدیریت کند (فریسر، ۱۹۹۹).

دوم، تحلیل انتقادی محتوای این متون نشان می‌دهد که پزشک‌ها از این نشانگرها برای مشروعیت‌بخشی به مواضع، تحکیم مرزهای ایدئولوژیک و تقویت هویت سیاسی خود استفاده می‌کند. چنین کارکردی همان گونه که ون‌دایک (۲۰۰۸) توضیح می‌دهد زبان را به ابزار اعمال قدرت نمادین بدل می‌سازد.

سوم، این متون در بستر اجتماعی و تاریخی مشخصی پدید آمده‌اند، دوره‌ای سرشار از رقابت‌های انتخاباتی، تغییر دولت و مناقشات ایدئولوژیک. این بافت متکثر سیاسی و رسانه‌ای به سخنان پزشک‌ها بعد اجتماعی و کنشی می‌دهد که شرط اساسی تحقق گفتمان است (فرکلاف، ۱۹۹۵).

چهارم، پیکره پژوهش حاضر فقط شامل متون خام نیست، بلکه فرآیندهای تولید، بازتاب رسانه‌ای، و واکنش مخاطبان نیز بخشی از آن است. بدین ترتیب، سه سطح مدل فرکلاف - متن، عمل گفتمانی، و عمل اجتماعی - به‌روشنی در این مجموعه تحقق یافته است.

بر این اساس، می‌توان با اتکا به نظریه‌های تحلیل انتقادی گفتمان نتیجه گرفت که سخنرانی‌ها و مواضع سیاسی دکتر مسعود پزشک‌ها مصداق یک گفتمان سیاسی منسجم است؛ گفتمانی که از طریق سازوکارهای زبانی و نشانه‌شناختی، قدرت و ایدئولوژی را بازنمایی و بازتولید می‌کند. انسجام این گفتمان در استفاده نظام‌مند از نشانگرهای زبانی، سازوکارهای استدلالی، و الگوهای نشانه‌شناختی آشکار است که به‌طور همزمان دو کارکرد اصلی را دنبال می‌کنند: نخست، بازنمایی قدرت و ایدئولوژی در سطح زبانی از طریق تضادسازی، بازتعریف مفاهیم و تثبیت روایت‌های علی؛ دوم، بازتولید این روابط در سطح اجتماعی از رهگذر هدایت ادراک مخاطبان، مشروع‌سازی مواضع سیاسی و مدیریت تعارض‌های احتمالی. بدین ترتیب، گفتمان پزشک‌ها نه تنها به‌مثابه ابزار ارتباطی عمل می‌کند، بلکه به سازوکاری برای تثبیت هویت سیاسی، سازمان‌دهی معنا و بازتولید ساختارهای قدرت در بافت اجتماعی بدل می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. مطالعات بین‌المللی درباره نشانگرهای گفتمانی در گفتمان سیاسی

تحقیقات بین‌المللی نشان داده‌اند که نشانگرهای گفتمانی نقش حیاتی در هدایت برداشت مخاطب و بازتولید قدرت دارند (فریسر ۱۹۹۹؛ شیفرین ۱۹۸۷). در گفتمان سیاسی، این عناصر کوچک زبانی به‌عنوان ابزارهای

استراتژیک عمل می کنند که می توانند تضادهای، تأکیدهها، علل و نتایج و روابط اجتماعی را شکل دهند (اجمر، ۲۰۱۳؛ بیبر و همکاران، ۱۹۹۹).

فرکلایف (۱۹۹۵) در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان^۵ نشان داده است که سیاستمداران با انتخاب و چینش خاص نشانگرها نه تنها انسجام سخنرانی را برقرار می کنند بلکه پیام خود را به طور ناخودآگاه در چارچوب ایدئولوژیک خاصی قرار می دهند. ون دایک (۲۰۰۸) نیز تأکید کرده است که نشانگرهای گفتمانی در گفتمان سیاسی وسیله ای برای کنترل جریان اطلاعات و جهت دهی به برداشت های عمومی به ویژه در سخنرانی های انتخاباتی و مناظره ها هستند.

مطالعات تجربی متعددی نیز این نظریه ها را تأیید کرده اند. برای مثال، بلکمر (۲۰۰۲) نشان داده است که نشانگرهای گفتمانی می توانند نقش تعدیل کننده^۶ یا تقویتی^۷ در گفتمان سیاستمداران داشته باشند و این امر مستقیماً بر ادراک مخاطب اثر می گذارد. همچنین فرکلایف (۲۰۱۰) در مطالعه ای درباره سخنرانی های رهبران بریتانیایی و آمریکایی تأکید کرده است که انتخاب نشانگرهای گفتمانی به ویژه در موقعیت های بحرانی یا مناظره ای می تواند مشروعیت سیاسی سخنران را تقویت کند. تحقیقات دیگر به نقش شناختی این نشانگرها پرداخته اند. ایوانز و گرین (۲۰۰۶) نشان دادند که نشانگرهای گفتمانی نه تنها انسجام متن را برقرار می کنند بلکه پردازش شناختی مخاطب را نیز هدایت می کنند، به طوری که شنونده به طور ناخودآگاه چارچوب استدلال و پیام را می پذیرد. در این راستا، مطالعاتی که تلفیق تحلیل پیکره ای و شناختی را به کار گرفته اند مانند تحقیقاتی (کاپ، ۲۰۱۷) انجام شده است که بر اهمیت بررسی الگوهای تکرار شونده و بسامد استفاده از نشانگرها برای درک استراتژی های زبانی سیاستمداران تأکید کرده اند. در ایران، پژوهش های کمی و کیفی درباره گفتمان سیاسی عمدتاً به تحلیل محتوای سخنرانی ها، رسانه ها و مناظره های انتخاباتی پرداخته اند (رفیعی، ۱۴۰۱؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۹). هرچند تعداد مطالعات اختصاصی درباره نشانگرهای گفتمانی محدود است، اما یافته ها نشان می دهد که سیاستمداران ایرانی از این عناصر برای ایجاد انسجام، تأکید بر ایدئولوژی خود، و بازتولید مشروعیت استفاده می کنند. برای نمونه رفیعی (۱۴۰۱) در بررسی سخنرانی های انتخاباتی چند سیاستمدار ایرانی نشان داد که نشانگرهایی مانند «اما»، «البته»، «در واقع» و «ببینید» به طور مکرر برای هدایت استدلال ها و پیش گیری از چالش های احتمالی مخاطب استفاده می شوند. صادقی و همکاران (۱۳۹۹) نیز تأکید کردند که نشانگرهای گفتمانی در مناظره های انتخاباتی ایران ابزارهایی برای ترسیم مرزهای ایدئولوژیک و ایجاد تفاوت با رقبای سیاسی هستند. همچنین، مطالعاتی مانند حسینی (۱۳۹۸) بر تلفیق رویکرد پیکره محور و تحلیل شناختی تأکید کرده و نشان

⁵ - Critical Discourse Analysis

⁶ - Mitigating

⁷ - Intensifying

داده است که بررسی بسامد و الگوی استفاده از نشانگرهای گفتمانی می‌تواند تصویر روشن‌تری از استراتژی‌های زبانی سیاست‌مداران ارائه دهد. با این حال، این پژوهش‌ها عمدتاً محدود به نمونه‌های کوتاه یا سخنرانی‌های رسمی بوده‌اند و کمتر به تحلیل جامع و ترکیبی پیکره‌ای-شناختی پرداخته‌اند. لذا با توجه به خلأ موجود، پژوهش حاضر با تمرکز بر ده نشانگر گفتمانی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های دکتر مسعود پزشکیان، سه ویژگی نوآورانه دارد: این پژوهش رویکردی پیکره‌محور دارد و داده‌های گسترده‌ای از سخنرانی‌ها، مناظره‌ها و مصاحبه‌ها در بازه زمانی فروردین ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۴ گردآوری می‌کند. تحلیل آن بر جنبه‌های شناختی و سیاسی متمرکز است و نحوه تأثیرگذاری نشانگرهای گفتمانی بر پردازش شناختی مخاطب و بازتولید قدرت سیاسی را بررسی می‌کند. همچنین، با تمرکز بر سخنان یک سیاست‌مدار معاصر ایرانی، نمونه‌ای منحصر به فرد از کاربرد این نشانگرها در گفتمانی که ویژگی‌های اخلاقی، حرفه‌ای و انتخاباتی را درهم می‌آمیزد، ارائه می‌دهد. این ویژگی‌ها پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز کرده و امکان ارائه یافته‌هایی با ارزش کاربردی و نظری در تحلیل گفتمان سیاسی ایران فراهم می‌آورد.

۳. روش پژوهش

۳.۱. رویکرد پژوهش

این مطالعه در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس مدل فرکلایف (۱۹۹۵) و ون دایک (۲۰۰۸) و تکمیل شده با دیدگاه شناختی-کارکردی یوانز و گرین (۲۰۰۶) انجام شده است. روش کار ترکیبی از تحلیل پیکره‌محور^۸ و تحلیل کیفی-شناختی بوده است تا هم الگوهای آماری کاربرد نشانگرها شناسایی شود و هم نقش شناختی و سیاسی آن‌ها در بافت سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها بررسی گردد.

۳.۲. گردآوری داده‌ها

پیکره این پژوهش شامل ۴۷ متن است که از سه منبع گردآوری شده‌اند: نخست، سخنرانی‌های انتخاباتی دکتر پزشکیان در دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ شامل ۱۰ فایل کامل؛ دوم، ۲۱ متن از مصاحبه‌های تلویزیونی و رادیویی با رسانه‌های ملی و خصوصی در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴؛ و سوم، ۱۶ متن از سخنرانی‌های رسمی و غیررسمی در مجامع دانشگاهی، همایش‌های پزشکی و نشست‌های مجلس شورای اسلامی. این پیکره در مجموع حدود ۱۶۵۰۰ واژه^۹ و ۶۴۰۰ جمله^{۱۰} را در بر می‌گیرد.

^۸ - Corpus-Based Analysis

^۹ - Tokens

^{۱۰} - Sentences

۳.۳. انتخاب نشانگرهای گفتمانی

بر اساس منابع نظری (فریسر ۱۹۹۹: شفرین ۱۹۸۷) و بررسی اولیه پیکره، ده نشانگر گفتمانی پرکاربرد انتخاب شد که در گفتمان دکتر پزشکیان نقش انسجام بخش، تأکیدگذار، توضیحی یا مقابله‌ای داشتند. این نشانگرها عبارت‌اند از:

جدول ۱: ده نشانگر گفتمانی پرکاربرد و نقش غالب آنها در گفتمان سیاسی

ردیف	نشانگر گفتمانی	نقش غالب در گفتمان سیاسی
1	اما	ایجاد تضاد و برجسته‌سازی تفاوت دیدگاه‌ها یا شرایط
2	یعنی	ساده‌سازی و شفاف‌سازی مفهوم برای مخاطب عمومی
3	به هر حال	خاتمه‌بخشی به بحث یا جمع‌بندی غیررسمی برای بازگشت به مسیر اصلی
4	مثلا	ارائه نمونه عینی برای ملموس کردن یک ادعا یا سیاست
5	چون	بیان علت و تقویت چارچوب علی در تحلیل سیاسی
6	اگر	بیان شرایط فرضی و سناریوسازی برای آینده
7	البته	تعدیل یا نرم کردن گزاره برای کاهش واکنش منفی
8	بنابراین	استنتاج منطقی و انتقال به نتیجه‌گیری سیاستی
9	در نتیجه	برجسته‌سازی پیامدهای عملی تصمیمات گذشته یا حال
10	در واقع	تصحیح یا افشای واقعیت پنهان در پس گفتار

۳.۴. ابزارها و مراحل تحلیل

در مرحله استخراج داده‌ها، همه فایل‌های صوتی و تصویری با استفاده از نرم‌افزارهای Otter.ai و ParsTranscriber به متن تبدیل و سپس به صورت دستی ویرایش شدند. در گام بعد، برچسب گذاری نشانگرها با بهره‌گیری از نرم‌افزار AntConc 4.0 انجام گرفت و همه نمونه‌های نشانگرها استخراج و کدگذاری شدند. تحلیل کمی شامل محاسبه بسامد و توزیع نسبی این نشانگرها در کل پیکره بود، در حالی که در تحلیل کیفی-سیاسی، با بررسی بافت جمله‌ای و فرابافتی، نقش هر نشانگر در ساختار استدلال، برجسته‌سازی پیام و بازتولید قدرت تحلیل شد. بعلاوه، برای اطمینان از اعتبار، ۲۰٪ از پیکره توسط یک پژوهشگر دوم در حوزه تحلیل گفتمان بازبینی شد. ضریب توافق بین کدگذاران (Cohen's Kappa) برابر با ۰/۸۷ بود که نشان‌دهنده پایایی بالا در شناسایی و طبقه‌بندی نشانگرها است.

۴. تحلیل نشانگرهای گفتمانی

جدول ارائه شده بسامد و توزیع نسبی ده نشانگر گفتمانی کلیدی را که در پیکره‌ای متشکل از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های دکتر پزشکیان استخراج شده‌اند، نشان می‌دهد. بر اساس داده‌ها، نشانگر «اما» با بسامد ۱۹۶ مورد (۱۷.۴ درصد) بیشترین کاربرد را دارد که بیانگر نقش محوری آن در ساختاردهی تضادها و چرخش‌های استدلالی در گفتمان سیاسی ایشان است. پس از آن، نشانگرهای «یعنی» (۱۴.۹ درصد) و «در واقع» (۱۳.۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند که معمولاً برای بازتعریف مفاهیم و شفاف‌سازی مواضع سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مقابل، نشانگرهایی چون «به هر حال» (۳۸ درصد) و «مثلاً» (۴.۹ درصد) کمترین بسامد را دارند و بیشتر در موقعیت‌هایی دیده می‌شوند که سخنران می‌کوشد با مثال یا نتیجه‌گیری غیرمستقیم، پیوندی بین بخش‌های مختلف بحث ایجاد کند.

جدول ۲: بسامد و توزیع نسبی ده نشانگر گفتمانی کلیدی

ردیف	نشانگر گفتمانی	بسامد	توزیع نسبی (%)
۱	اما	۱۹۶	۱۷.۴
۲	یعنی	۱۶۸	۱۴.۹
۳	در واقع	۱۵۲	۱۳.۵
۴	بنابراین	۱۲۷	۱۱.۳
۵	در نتیجه	۱۰۹	۹.۷
۶	چون	۱۰۱	۹.۰۰
۷	اگر	۹۲	۸.۲
۸	البته	۸۲	۷.۳
۹	مثلاً	۵۵	۴.۹
۱۰	به هر حال	۴۴	۳.۸
جمع		۱۱۲۶	۱۰۰

این توزیع بسامدی، الگوی رویکرد گفتاری پزشکیان را آشکار می‌سازد که شامل تمرکز بر تضادسازی کنترل‌شده، بازتعریف مفهومی و هدایت شنونده از طریق ساختارهای توضیحی و استدلالی می‌باشد. همچنین بسامد بالای نشانگرهای استنتاجی مانند «بنابراین» (۱۱.۳ درصد) و «در نتیجه» (۹.۷ درصد) نشان می‌دهد که سخنران غالباً تلاش دارد نتیجه‌گیری‌های خود را با چارچوب منطقی روشن ارائه دهد و به مخاطب حس انسجام و اطمینان بدهد. از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، این الگو می‌تواند نشانه‌ای از راهبرد «قدرت از طریق معنا» باشد که در آن زبان نه فقط ابزار ارتباط بلکه وسیله‌ای برای تثبیت موقعیت سیاسی و مشروعیت بخشی به دیدگاه هاست. در ادامه به تحلیل نشانگرهای گفتمانی خواهیم پرداخت.

۴.۱. نشانگر «اما»

«اما» یک نشانگر گفتمانی تضاد و تقابل^{۱۱} است که برای معرفی تضاد معنایی یا تغییر جهت استدلال (فریسر ۱۹۹۹: شیفین ۱۹۸۷) یا برای برقراری تقابل بین دو گزاره یا دیدگاه به (فریسر، ۲۰۰۹: هالیدی و حسن، ۱۹۷۶) به کار می رود. این نشانگر معمولاً پس از بیان یک عبارت برای طرح دیدگاهی متضاد یا محدودکننده استفاده می شود و در گفتمان سیاسی نقش مهمی در ایجاد چرخش معنایی دارد. این نشانگر همچنین نه تنها اختلاف بین ایده ها را نشان می دهد بلکه به گوینده این امکان را می دهد که پیچیدگی و چندبعدی بودن موضوع را به مخاطب منتقل کند (آیدین، ۲۰۲۴)

مثال ۱ (فرارو، ۱۴۰۳):

«ما باید مشکلات اقتصادی را با اصلاح ساختار حل کنیم، اما این کار بدون شفافیت و پاسخگویی ممکن نیست».

مثال ۲ (انصاف نیوز، ۱۴۰۲):

«در حوزه بهداشت پیشرفت های خوبی داشتیم، اما هنوز عدالت در دسترسی رعایت نشده است».

در گفتمان دکتر پزشکیان «اما» معمولاً به عنوان ابزاری برای باز تنظیم چارچوب گفتمان^{۱۲} استفاده می شود. او در ابتدا یک موضع کلی یا عبارت پذیرفتنی را بیان می کند تا مخاطب را با خود همراه کند سپس با «اما» پیام اصلی یا نقد خود را برجسته می سازد. این تکنیک از نظر شناختی باعث افزایش توجه انتخابی^{۱۳} مخاطب به بخش پس از «اما» می شود (ساندرز و اسپورن، ۲۰۱۵)

از منظر شناختی «اما» به شنونده این علامت را می دهد که یک تغییر مسیر فکری یا تعدیل معنایی رخ داده است و این نشانگر باعث می شود مخاطب برای بازبینی یا ارزیابی مجدد اطلاعات آماده شود (شورپ، ۱۹۹۹). در گفتمان سیاسی پزشکیان «اما» اغلب برای نمایش تعادل و عقلانیت سیاسی به کار می رود. پزشکیان با این نشانگر تضاد بین محدودیت ها و اهداف، مشکلات و راه حل ها، یا نقدها و مواضع خود را به شکلی متوازن بیان می کند و این کارکرد باعث می شود پیام او از تک بعدی بودن فاصله بگیرد و وجهه عقلانی پیدا کند. همچنین «اما» در صحبت های پزشکیان معمولاً ابزاری برای بیان مواضع به شکلی ظریف و چندلایه است؛ به گونه ای که بتواند بدون ورود به تقابل آشکار با فرد یا گروه خاص نقدی غیر مستقیم بر ساختار یا مدیریت موجود وارد کند. او با استفاده

^{۱۱} -Contrastive/Concessive Discourse Marker

^{۱۲} - Reframing

^{۱۳} - Selective Attention

از این واژه پس از پذیرش بخشی از واقعیت یا وضعیت موجود راهکارها و دیدگاه‌های بدیلی ارائه می‌دهد که فضایی برای گفت‌وگوی دوجانبه ایجاد کرده و از اتخاذ موضع‌های قاطع پرهیز می‌کند. این رویکرد علاوه بر برجسته کردن تفاوت‌ها و تضادها بدون خدشه به اعتبار گوینده انعطاف‌پذیری و واقع‌بینی او را در مواجهه با محدودیت‌ها نشان می‌دهد و در نهایت، مخاطب را برای پذیرش مواضع اصلاح‌گرایانه آماده می‌سازد (وانگ، ۲۰۲۲).

به‌عنوان نمونه در مناظره انتخاباتی جمله «ما باید مشکلات اقتصادی را با اصلاح ساختار حل کنیم، اما این کار بدون شفافیت ممکن نیست» هم بر لزوم اصلاح ساختار تأکید دارد و هم از طریق کلمه «اما» شفافیت را به‌عنوان پیش شرط مهم معرفی می‌کند. این استفاده هوشمندانه باعث می‌شود که پیام اصلی (لزوم شفافیت) در ذهن مخاطب برجسته‌تر از پیام اولیه باقی بماند. او با این نشانگر، ابتدا فضای همدلی ایجاد کرده سپس با چرخش معنایی قدرت را در روایت خود توزیع می‌کند. به این معنا که مرجعیت معنایی^{۱۴} از جمله اول به جمله دوم منتقل می‌شود و این انتقال، مخاطب را از توافق با یک دیدگاه عمومی به پذیرش موضع خاص او هدایت می‌کند. به علاوه در گفتمان پزشکیان «اما» نقش ابزار استراتژیک کنترل روایت را دارد. او با استفاده از این نشانگر می‌تواند هم انتقادات و محدودیت‌ها را بپذیرد و هم پیام خود را به شکل مثبت و مشروع تثبیت کند (ون دایک، ۲۰۰۸). این نشانگر نشان می‌دهد که قدرت گوینده نه صرفاً در اعلام موضع، بلکه در مدیریت تضادها و شکل‌دهی به برداشت مخاطب متبلور می‌شود.

۴.۲. نشانگر «یعنی»

«یعنی» یک نشانگر توضیحی و استنباطی^{۱۵} است که برای بازتعریف، روشن‌سازی یا تفسیر مستقیم یک جمله به کار می‌رود. این نشانگر رنگ و بوی محاوره‌ای‌تری دارد و ارتباط بی‌واسطه با مخاطب را تقویت می‌کند و به شنونده کمک می‌کند که پیام اصلی گوینده را بدون ابهام دریافت کند (فریسر، ۲۰۰۹؛ هالیدی و حسن، ۱۹۷۶).

مثال ۱ (تجارت نیوز، ۱۴۰۱):

«اگر ما شفافیت نداشته باشیم، فساد ایجاد می‌شود؛ یعنی مردم حقایق را نمی‌دانند و این به بی‌اعتمادی منجر می‌شود».

مثال ۲ (رویداد ۲۴، ۱۴۰۳):

¹⁴ - Interpretive Authority

¹⁵ - Explanatory/Inferential Discourse Marker

«عدالت یعنی فرصت برابر؛ یعنی همه در نقطه شروع یکسان قرار بگیرند».

در گفتمان پزشکیان، «یعنی» غالباً برای تبدیل یک جمله کلی به نتیجه‌ای روشن و عملیاتی به کار می‌رود. این کارکرد از نظر شناختی مسیر پردازش ذهنی مخاطب را کوتاه می‌کند و اجازه می‌دهد شنونده بدون واسطه به برداشت نهایی برسد (شروپ، ۱۹۹۹). در بعد سیاسی «یعنی» نقش ابزار ساده‌سازی پیام را دارد. پیام‌های پیچیده سیاسی با این نشانگر به زبانی قابل فهم برای عموم بیان می‌شوند. این شیوه باعث گسترش دامنه مخاطبان و افزایش پذیرش اجتماعی مواضع می‌شود. از منظر شناختی «یعنی» به مخاطب نشان می‌دهد که در حال ارائه توضیح تکمیلی یا تفسیر و روشن سازی موضوع هستیم و باعث می‌شود شنونده بهتر بتواند ارتباط بین گزاره‌ها جملات و مفاهیم را درک کند. در گفتمان پزشکیان «یعنی» معمولاً به عنوان ابزاری برای شفاف سازی سیاست‌ها یا مواضع، توضیح پیچیدگی‌های تصمیمات سیاسی و بازتعریف مفاهیم به زبان ساده و قابل فهم به کار می‌رود. این نشانگر کمک می‌کند مخاطب پیام او را با کمترین ابهام و بیشترین پذیرش دریافت کند. علاوه بر این «یعنی» نقش مهمی در تقویت شفافیت پیام در سخنرانی‌های عمومی، تسهیل ارتباط با قشر عام و غیر تخصصی، و ایجاد ریتم گفتاری طبیعی و غیررسمی برای جلب اعتماد ایفا می‌کند (راندور، چرز، روچامپز، ۲۰۲۰).

از منظر تحلیل انتقادی گفتمان «یعنی» یک نشانگر تسهیل کننده قدرت ارتباطی است. پزشکیان با استفاده از این واژه، مفاهیم کلان و استراتژیک را به سطحی روزمره و قابل لمس می‌آورد و از این طریق کنترل تفسیر را به دست می‌گیرد (وانگ، ۲۰۲۰). این فرآیند نوعی مردمی سازی گفتمان سیاسی است که به تثبیت سرمایه نمادین گوینده کمک می‌کند (بوردو، ۱۹۹۱). همچنین در تحلیل انتقادی گفتمان، «یعنی» نقش ابزار روشن گری و مشروعیت بخشی را ایفا می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۵). پزشکیان با استفاده از این نشانگر نه تنها پیچیدگی مسائل را قابل فهم می‌کند بلکه قدرت استدلال و قضاوت خود را تثبیت می‌کند و نشان می‌دهد که پیام او منطقی، دقیق و مسئولانه است.

۴.۳. نشانگر «در واقع»

«در واقع» یک نشانگر گفتمانی توضیحی، اصلاحی و شفاف ساز^{۱۶} است که برای بیان مجدد یا تفسیر دقیق تر یک جمله و ایجاد ارتباط روشن تر میان ایده‌ها به کار می‌رود (فریسر، ۲۰۰۹: هالیدی و حسن، ۱۹۷۶) و یا برای اصلاح برداشت مخاطب یا تقویت یک ادعا به کار می‌رود. این نشانگر به مخاطب این پیام را می‌دهد که سخنران قصد دارد معنای واقعی یا لایه پنهان جمله پیشین را توضیح دهد و اغلب نقش پل ارتباطی بین سطح ظاهری پیام و معنای عمیق تر آن را دارد (فریسر ۱۹۹۹: شیفرین ۱۹۸۷).

¹⁶ - Elaborative/Clarifying/Corrective Discourse Marker

مثال ۱ (خبرگزاری ایرنا، آبان ۱۴۰۳):

«آنچه ما به آن نیاز داریم اصلاح ساختار اقتصادی است؛ **در واقع** باید پایه‌های شفافیت و پاسخگویی را محکم کنیم».

مثال ۲ (خبرگزاری ایرنا، آذر ۱۴۰۳):

«مردم انتظار دارند عدالت رعایت شود؛ **در واقع** هیچ کس نباید به خاطر جایگاه یا روابطش از حقوق بیشتری برخوردار شود».

در گفتمان پزشکیان، «در واقع» نقش پل ارتباطی بین ایده کلی و پیام کلیدی را بازی می‌کند. او با استفاده از این نشانگر از یک جمله عمومی به سمت صورت‌بندی دقیق و ارزش‌محور حرکت می‌کند. این تکنیک از نظر شناختی باعث جهت‌دهی مجدد پردازش ذهنی مخاطب به سمت محور اصلی بحث می‌شود. از منظر شناختی، کلمه «در واقع» مکانیزمی برای کنترل چارچوب تفسیری گفتمان است. این نشانگر باعث می‌شود شنونده دیدگاه جدید یا تفسیر متفاوتی از مسئله پیدا کند. وقتی پزشکیان می‌گوید «در واقع»، در حال تغییر زاویه دید مخاطب به گونه‌ای است که روایت مدنظر او غالب شود. این تکنیک در عرصه سیاست اهمیت دارد زیرا به رهبر سیاسی امکان می‌دهد که برداشت عمومی را بازتعریف و افکار عمومی را همسو کند.

در گفتمان پزشکیان «در واقع» اغلب به عنوان ابزاری برای روشن‌سازی و جهت‌دهی بحث به کار می‌رود به گونه‌ای که می‌تواند برداشت‌های عمومی نادرست را تصحیح کرده و تمرکز گفت‌وگو را از سطح ظاهری مسائل به ریشه‌های ساختاری آن‌ها منتقل کند. این عبارت همچنین برای تأکید بر معنای واقعی سیاست‌ها و پیامدها و برجسته‌سازی ارزش‌ها و اصول بنیادین همچون عدالت، شفافیت و صداقت به کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، «در واقع» نقش مهمی در ایجاد انسجام مفهومی میان ایده‌های کلی و راهکارهای مشخص دارد و در نهایت استدلال را به سمت موضع‌گیری‌های اخلاقی یا هنجاری هدایت می‌کند (ساندرز و سویتسر، ۲۰۰۹). از منظر تحلیل انتقادی گفتمان «در واقع» ابزاری برای بازتعریف واقعیت است. پزشکیان از این نشانگر برای بازخوانی جملات در چارچوبی که با دیدگاه و روایت او همخوان است استفاده می‌کند. این بازتعریف، قدرت را در سطح معنایی به گوینده منتقل می‌کند و مخاطب را به پذیرش تفسیر خاص او سوق می‌دهد (فرکلاف، ۱۹۹۵).

۴.۴. نشانگر «بنابر این»

«بنابراین» یک نشانگر استنتاجی¹⁷ است که برای پیوند دادن مقدمات گفتمان و نتیجه به کار می رود. این نشانگر اغلب پس از ارائه شواهد یا استدلال‌ها می آید و نتیجه منطقی یا سیاسی آن‌ها را برجسته می کند و به شنونده سیگنال می دهد که آنچه گفته شد اکنون به نتیجه یا جمع بندی مشخصی می انجامد (فریسر ۱۹۹۹: شیفرین ۱۹۸۷).

مثال ۱ (ایرنا، خرداد ۱۴۰۳):

«اگر شفافیت نباشد، فساد رشد می کند؛ **بنابراین** باید همه قراردادها به صورت عمومی منتشر شوند».

مثال ۲ (ایرنا، مرداد ۱۴۰۳):

«آموزش نیروی انسانی زمان بر است؛ **بنابراین** باید از همین امروز سرمایه گذاری را آغاز کنیم».

از منظر شناختی، «بنابراین» یک سیگنال قوی برای انتقال شنونده از مرحله پردازش داده‌ها به مرحله نتیجه گیری است. شنونده با شنیدن آن می داند که گوینده قصد دارد نتیجه قطعی یا پیام اصلی را بیان کند (سی فالینو، دی سیلوسترو، ونوتی، ۲۰۲۳). در گفتمان پزشکیان، این نشانگر عمدتاً برای انسداد استدلال و هدایت ذهن مخاطب به نتیجه ای که خود او می خواهد استفاده می شود. به این ترتیب «بنابراین» نه تنها یک پیوند منطقی بلکه ابزاری برای مدیریت و کنترل فرایند استنتاج در ذهن مخاطب است. همچنین واژه ای «بنابراین» به مخاطب کمک می کند تا ساختار استدلال را دنبال کرده و منطق نتیجه گیری را به خوبی درک کند. این نشانگر فرآیند استنتاج را شفاف تر و معتبر تر جلوه می دهد و در انتقال پیام نقش مهمی ایفا می کند (راندور و همکاران، ۲۰۲۰). در گفتمان پزشکیان، «بنابراین» معمولاً در شرایطی به کار می رود که گوینده قصد دارد پیوندی مستقیم میان شواهد و تصمیم سیاسی برقرار کند، به اقدامات و سیاست‌ها مشروعیت ببخشد و در نهایت حس ضرورت و اجتناب ناپذیری تصمیمات اتخاذ شده را تقویت نماید. از این رو کاربردهای سیاسی واژه ای «بنابراین» را می توان در چند سطح بررسی کرد. این واژه از یک سو به تثبیت استدلال‌ها با ارائه ی نتیجه گیری قاطع کمک می کند و از سوی دیگر امکان انتقال پیام اصلی را بدون ابهام یا حاشیه فراهم می سازد. همچنین، استفاده از «بنابراین» نشان می دهد که گوینده بر مسیر بحث و روند استدلال تسلط دارد و می تواند جریان گفتار را به صورت هدفمند و هدایت شده پیش برد (نواز، ایختیار، رازا و نومن، ۲۰۲۳).

از منظر تحلیل انتقادی گفتمان، «بنابراین» به پزشکیان اجازه می دهد تا نتیجه گیری مطلوب خود را به عنوان تنها نتیجه منطقی ممکن جلوه دهد (فرکلاف، ۱۹۹۵). این تکنیک به او کمک می کند که در فضای رقابتی سیاسی، تفسیرهای دیگر را کم رنگ کرده و برداشت مسلط خود را تثبیت کند. همچنین «بنابراین» به عنوان ابزاری برای

¹⁷ - Inferential/Resultative Discourse Marker

ساخت واقعیت سیاسی از طریق منطق‌سازی عمل می‌کند (وان دایک، ۲۰۰۸). پزشک‌ها با استفاده از این نشانگر، نه تنها نتیجه‌گیری‌های خود را عقلانی جلوه می‌دهد، بلکه این برداشت را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که مسیر انتخاب‌شده، تنها گزینه منطقی موجود است.

۴.۵. نشانگر «در نتیجه»

«در نتیجه» یک نشانگر استنتاجی و پیامدی^{۱۸} است که بر پیامد یا اثر مستقیم گزاره‌های پیشین تأکید می‌کند. این نشانگر معمولاً برای جمع‌بندی یا تمرکز بر اثرات عملی یا واقعی به کار می‌رود (فریسر، ۲۰۰۹؛ هالیدی و حسن، ۱۹۷۶).

مثال ۱ (خبرگزاری میزان، تیر ۱۴۰۳):

«ما در سال‌های گذشته به کشاورزان بی‌توجه بودیم، **در نتیجه** امروز با بحران تأمین مواد غذایی روبه‌رو شده‌ایم.»

مثال ۲ (ایرنا، شهریور ۱۴۰۲):

«در آموزش عالی سرمایه‌گذاری نکردیم، **در نتیجه** بسیاری از نخبگان مهاجرت کردند.»

از منظر شناختی، «در نتیجه» یک حلقه علی را تکمیل می‌کند. این نشانگر به شنونده کمک می‌کند که ارتباط علت و معلول را میان رویدادها یا سیاست‌ها بفهمد و پیامدها را به صورت عینی و ملموس درک کند (نصیر، نظر، جمیل، احمد و امیر، ۲۰۲۳).

در گفتمان پزشک‌ها واژه‌ی «در نتیجه» غالباً زمانی به کار می‌رود که هدف، توضیح پیامدهای منفی سیاست‌های گذشته باشد. این واژه علاوه بر برجسته کردن ضرورت اصلاحات فوری به گوینده امکان می‌دهد تصمیمات جدید را موجه و منطقی جلوه دهد. از این رو، «در نتیجه» ابزاری کارآمد برای پیوند دادن نقد گذشته با ضرورت تغییر در زمان حال و توجیه اقدامات تازه محسوب می‌شود.

در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان (فرکلاف، ۲۰۱۰) «در نتیجه» می‌تواند ابزار قدرتمندی برای ساخت روایت مسئولیت‌پذیری باشد. پزشک‌ها با استفاده از این نشانگر، می‌توانند نشان دهد که وضع موجود حاصل تصمیمات پیشین است و در نتیجه تغییر مسیر یک ضرورت سیاسی و اخلاقی محسوب می‌شود. این استراتژی، علاوه بر ایجاد مشروعیت، به او کمک می‌کند که خود را در جایگاه رهبر اصلاحگر معرفی کند.

¹⁸ - Resultative Discourse Marker

۴.۶. نشانگر «چون»

«چون» یک نشانگر علی^{۱۹} است که برای بیان علت یا توجیه یک گزاره به کار می‌رود. این نشانگر شنونده را به سمت فهم رابطه علت-معلولی هدایت می‌کند و اغلب باعث می‌شود پیام گوینده منطقی و موجه جلوه کند (فریسر، ۲۰۰۹؛ سویتسر، ۱۹۹۹).

مثال ۱ (خبرگزاری مهر، خرداد ۱۴۰۳):

«ما باید در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کنیم، چون بدون زیرساخت توسعه‌ای اتفاق نمی‌افتد».

مثال ۲ (سخنرانی در دانشگاه تهران، ۱۴۰۱):

«آموزش رایگان را حفظ می‌کنیم، چون عدالت آموزشی خط قرمز ماست».

از نظر شناختی، «چون» یک ابزار دلیل‌آوری و اقناع است. با ارائه علت گوینده نه تنها گزاره خود را مستدل می‌کند بلکه به مخاطب کمک می‌کند تا موضعش را بر اساس منطق گوینده بپذیرد (سی فالینو و همکاران، ۲۰۲۳). در گفتمان پزشکیان، واژه‌ی «چون» بیشتر در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که هدف اصلی پاسخ‌گویی به نقدها و شبهات رسانه‌ای باشد. این واژه همچنین ابزاری برای مشروع‌سازی تصمیمات یا سیاست‌ها به شمار می‌آید و نقش مهمی در پیوند دادن سیاست‌های پیشنهادی به اصول یا ارزش‌های بنیادین ایفا می‌کند. بدین ترتیب، «چون» به گوینده امکان می‌دهد استدلال‌های خود را در چارچوبی منطقی و قابل قبول عرضه کرده و پشتوانه‌ای ارزشی و اصولی برای آن‌ها فراهم سازد. این امر سبب می‌شود که پیام او کمتر به عنوان یک شعار سیاسی و بیشتر به عنوان یک استدلال عقلانی و اخلاقی دریافت شود. در معماری گفتمان سیاسی، «چون» ابزاری برای ساخت چارچوب توجیهی^{۲۰} است. وقتی پزشکیان علت یک سیاست را بیان می‌کند، درواقع دارد زمینه‌های فکری و ارزشی سیاست خود را نهادینه می‌کند. این کار از منظر فرکلاف (۲۰۱۰) یک شکل از قدرت ایدئولوژیک است، زیرا موجب می‌شود که تصمیمات سیاسی نه به عنوان انتخابی بحث‌برانگیز، بلکه به عنوان نتیجه‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر دیده شوند.

۴.۷. نشانگر «اگر»

¹⁹ - Causal Discourse Marker

²⁰ - Justificatory Frame

«اگر» یک نشانگر شرطی^{۲۱} است که برای بیان روابط علی-نتیجه‌ای فرضی به کار می‌رود و امکان سناریوهای مختلف را در ذهن مخاطب باز می‌گشاید. این نشانگر فضایی برای آینده‌نگری یا تحلیل شرایط فراهم می‌کند (فریسر، ۲۰۰۹: سویتسر، ۱۹۹۹).

مثال ۱ (خبرگزاری ایرنا، تیر ۱۴۰۴):

«اگر با برنامه و در چارچوب سیاست‌های نظام عمل کنیم، مشکلات حل‌شدنی است و مملکت درست خواهد شد.»

مثال ۲ (خبرگزاری ایرنا، تیر ۱۴۰۴):

«اگر پناه مردم باشیم، هیچ‌گاه به سوی بیگانگان گرایش نخواهند یافت.»

نشانگر «اگر» مخاطب را به تصور عملی جهان ممکن تحریک می‌کند. شنونده در ذهنش شرایط ایده‌آل را می‌سازد، که در آن سیاستمدار نقش راهبر تغییر را ایفا می‌کند (نواز و همکاران، ۲۰۲۳). در گفتمان پزشکیان، «اگر» به عنوان شیوه‌ای برای مشروع‌سازی سیاست‌ها عمل می‌کند؛ یعنی شرایط برای تحقق آرمان سیاسی ترسیم می‌شود و مخاطب احساس می‌کند راه‌حل مشخصی وجود دارد، مشروط اما واقعی. بر پایه تحلیل انتقادی گفتمان «اگر» تبدیل به ابزار مهندسی آینده سیاسی می‌شود (فرکلاف، ۱۹۹۵). گوینده با ترسیم نگرش «اگر» قدرت خود را در جایگاه تصمیم‌ساز و عامل تغییر معرفی می‌کند. این نشانگر به تثبیت موقعیت گوینده در نقش رهبر تغییر و مدیریت شرایط امکان‌ساز است.

۴.۸. نشانگر «البته»

«البته» یک نشانگر تعدیلی و تقویتی^{۲۲} است که برای تأکید بر گزاره‌ای همراه با تصحیح یا تعدیل آن به کار می‌رود (شیفرین، ۱۹۸۷: فریسر ۲۰۰۹). در فارسی این واژه به‌طور گسترده برای تلطیف لحن، کاهش اثر تقابل و ایجاد انسجام گفتمانی استفاده می‌شود.

مثال ۱ (ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۲):

²¹ - Conditional Discourse Marker

²² - Mitigating/Emphasizing Discourse Marker

«طرح‌های وزارت بهداشت در زمینه واکسیناسیون پیشرفت کرده است، البته هنوز مشکلاتی در توزیع و مدیریت منابع وجود دارد».

مثال ۲ (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲):

«ما توانستیم تعداد تخت‌های بیمارستانی را افزایش دهیم، البته کیفیت خدمات هنوز جای کار دارد».

در گفتمان سیاسی دکتر پزشکیان، «البته» غالباً به عنوان ابزار تعدیل انتقاد و ایجاد اعتبار عمل می‌کند. او ابتدا یک واقعیت مثبت یا موفقیت نسبی را بیان می‌کند تا اعتماد مخاطب جلب شود سپس با بیان «البته» محدودیت‌ها و چالش‌ها را مطرح می‌کند. این شیوه، از نظر شناختی باعث می‌شود که مخاطب همزمان به جنبه مثبت توجه کند و آمادگی پذیرش انتقاد را پیدا کند (کامینگر، ۲۰۲۰)

کاربردهای سیاسی «البته» معمولاً در جهت ایجاد توازن و ملایمت در بیان مواضع به کار می‌رود به طوری که می‌تواند نقدهای مستقیم نسبت به نهادها یا دولت را تلطیف کرده و از شدت آن‌ها بکاهد. همچنین این واژه اغلب پیش از ارائه انتقاد یا پیشنهاد اصلاح برای برجسته کردن جنبه‌ها و واقعیت‌های مثبت به کار می‌رود تا زمینه‌ای سازنده برای ادامه بحث فراهم شود (نواز و همکاران، ۲۰۲۳). به این ترتیب، «البته» به گوینده کمک می‌کند تا در نگاه مخاطبان، تصویری کارآمد و منطقی از خود ارائه دهد. از دیگر سو، از منظر تحلیل انتقادی گفتمان «البته» نقش کنترل‌کننده روایت را دارد. با این نشانگر، پزشکیان قادر است قدرت گفت‌وگو را مدیریت کند بدین معنا که هم نظر خود را منتقل کند، هم از برخورد مستقیم با نهادها پرهیز کند و هم فضای مصالحه و همدلی ایجاد کند. این تکنیک بازتوزیع قدرت گفتمانی بین سخنران، مخاطب و موضوع مورد بحث را ممکن می‌سازد و مانع از شکل‌گیری تقابل مستقیم می‌شود (ون دایک، ۲۰۰۸)

۴.۹ نشانگر «مثلاً»

«مثلاً» یک نشانگر ذکر مثال²³ است که برای توضیح یا روشن‌سازی مفاهیم انتزاعی از طریق ارائه نمونه‌های ملموس به کار می‌رود (شیفرین، ۱۹۸۷: فریسر ۲۰۰۹). این نشانگر به گوینده کمک می‌کند تا پیام خود را به زبانی قابل دسترسی برای مخاطب تبدیل کند.

مثال ۱ (پایگاه انتخاب، دی ۱۴۰۳):

«به مردم بگوییم که مثلاً چه؟ می‌گویند خب بگو برو انجام بده. تو که اصلاً رئیس دولتی، آنها هم که استاندارند»

²³ - Exemplifying Discourse Marker

مثال ۲ (انصاف نیوز، تیر ۱۴۰۳):

«گفتمان ایشان می‌توانست تداعی گر نگاه عدالت‌گرای چپ باشد؛ مثلاً وزارت کشور به عنوان حوزه‌ای استراتژیک انتخاب می‌شود تا گفتمان عدالت‌محور تحقق یابد».

از منظر شناختی، «مثلاً» مخاطب را از سطح کلی گفتمان به سطح نمونه‌ی قابل درک هدایت می‌کند، به‌ویژه زمانی که مفهوم باید باورپذیر شود. این نشانگر موجب آرامش روانی مخاطب و تسهیل درک پیچیدگی محتوا می‌شود. در گفتمان سیاسی دکتر پزشکیان، این ابزار بلاغی برای ایجاد ارتباط عینی بین شعارها و اقدامات به کار می‌رود. وقتی او با مثال از «وزارت کشور» یا «بگو برو انجام بده» استفاده می‌کند، عملاً قصد دارد فاصله میان شعار و عمل را کاهش دهد و پیام خود را ملموس‌تر کند.

بر اساس تحلیل انتقادی گفتمان فرکلایف (۱۹۹۵) «مثلاً» ابزار چارچوب‌سازی عملیاتی قدرت است. وقتی نشانگر مثال‌گونه به کار می‌رود گوینده فقط مفهوم را توضیح نمی‌دهد بلکه تصویر کنش‌پذیر و قابل دسترس از گفتمان خود می‌سازد. یعنی گفتمان سیاسی را از فضای انتزاعی به عرصه عمل و تصمیم‌گیری منتقل می‌کند و این خود شکلی از تثبیت قدرت است. قدرتی که مبتنی بر واقعی‌سازی پیام و سازگاری با ذهن مخاطب است.

۴.۱۰. نشانگر «به هر حال»

«به هر حال» یک نشانگر جمع‌بندی و خاتمه‌گر^{۲۴} است که معمولاً برای بازگرداندن تمرکز به موضوع اصلی یا پذیرش واقعیت موجود در پایان یک استدلال به کار می‌رود. این نشانگر می‌تواند بار معنایی تسکینی یا اتمام قضیه را منتقل کند و شنونده را برای پذیرفتن زمینه اصلی آماده نماید (فریسر، ۱۹۹۹)

مثال ۱ (خبرگزاری مشرق، شهریور ۱۴۰۳)

«ما به شدت تحت تحریم هستیم، تأکید کرد: آمریکا، اروپا و کشورهای آمریکایی که از سیاست‌های آمریکا تبعیت می‌کنند، ایران را تحریم کرده‌اند و با ما معامله نمی‌کنند [...] ما باید اختلاف داخلی، مشکلات با همسایه‌ها و دنیا را حل کنیم. به هر حال اقتصاد به مسائل خارجی ارتباط دارد».

مثال ۲ (همشهری آنلاین، بهمن ۱۴۰۳)

«اصلاح و تغییر رفتار در جامعه، نیاز به زمان و تلاش مداوم و کار فرهنگی دارد [...] و باید بدانیم که به هر حال چاره‌ای هم جز این نداریم».

²⁴ - Conclusive Discourse Marker

از منظر شناختی، «به هر حال» سبب انتقال حس پایان‌پذیری بحث می‌شود. مخاطب با شنیدن آن به ذهنیت «پذیرش ضمنی واقعیت» می‌رسد. این نوع جمع‌بندی ذهنی، مسیر برای کاهش مقاومت فکری را هموار می‌سازد (نصیر و همکاران، ۲۰۲۳). در این مثالها، موضوع تحریم‌ها و رابطه آن با اقتصاد پذیرفته شده و حرکت به سمت بحث راهکارهای سیاسی تسهیل می‌شود. از منظر سیاسی این نشانگر به گوینده امکان می‌دهد تا ضمن تأیید وضعیت دشوار (تحریم، بحران اقتصادی) فضای بحث را پیش برند به نحوی که مخاطب احساس نمی‌کند وضعیت رخوت‌آور باقی می‌ماند، بلکه مسیر تغییر و حل مسأله وجود دارد. این رویکرد بازسازی امید و عقلانیت سیاسی را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند. در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان، «به هر حال» ابزاری مؤثر برای ثبات روایت واقع‌گرایانه اما امیدبخش است (فرکلاف، ۱۹۹۵). این نشانگر به پزشک‌ها اجازه می‌دهد پیام خود را در قالبی ترکیبی از واقعیت و امید بیان کنند. او از یک سو پذیرفته که ساختار فعلی تحریم‌ها چالش اصلی است و از سوی دیگر تأکید دارد که چاره‌ای جز مواجهه و مدیریت آن وجود ندارد. این نوع چارچوب‌بندی، قدرت سخنران را به عنوان متفکری واقع‌گرا و مسئول نسبت به وضعیت جامعه تثبیت می‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که گفتمان سیاسی دکتر مسعود پزشک‌ها، از نظر معماری زبانی، به شدت متکی بر نشانگرهای گفتمانی است که نقش‌های چندلایه در ساختار قدرت و مشروعیت سیاسی دارند. تحلیل ده نشانگر اصلی («اما»، «یعنی»، «به هر حال»، «مثلاً»، «چون»، «اگر»، «البته»، «بنابراین»، «در نتیجه»، «در واقع») نشان داد که هر یک نه تنها انسجام گفتاری ایجاد می‌کنند، بلکه به عنوان ابزار بازتولید قدرت و جهت‌دهی سیاسی عمل می‌کنند. از منظر تحلیل انتقادی گفتمان (فرکلاف، ۱۹۹۵ و ون دایک، ۲۰۰۸) و مطالعات گفتمان سیاسی در ایران (نجفی، ۱۳۹۸؛ احمدی، ۱۴۰۰)، این نشانگرها به پزشک‌ها امکان می‌دهند که روایت سیاسی مدنظر خود را تحمیل کرده و برداشت‌های مخاطب را به سمت اهداف اصلاحی یا انتقادی هدایت کند. به‌ویژه، نشانگرهای «بنابراین» و «در نتیجه» در تثبیت روایت علی از بحران‌ها و ناکارآمدی‌های گذشته نقش اساسی دارند، به گونه‌ای که مخاطب احساس می‌کند تغییر سیاستها نه تنها ضروری بلکه اجتناب‌ناپذیر است (آیدین، ۲۰۲۴). نشانگرهایی مانند «در واقع» و «یعنی» نیز به عنوان ابزار بازتعریف واقعیت و اصلاح برداشت‌های عمومی عمل می‌کنند. این نشانگرها، با ایجاد فاصله شناختی میان برداشت سطحی مخاطب و تحلیل عمیق‌تر سیاستها، به پزشک‌ها امکان می‌دهند که کنترل چارچوب تفسیری گفتمان سیاسی را در دست گیرد (وانگ، ۲۰۲۲). از منظر سیاسی، این استراتژی زبانی تأثیر مستقیم بر تصمیم‌سازی عمومی، هدایت افکار عمومی و افزایش مشروعیت اقدامات اصلاحی دارد. پزشک‌ها با بهره‌گیری از این نشانگرها، قادر است:

1. روایت مسئولیت‌پذیری بسازد و مخاطب را نسبت به پیامدهای سیاست‌های گذشته آگاه کند؛
 2. پیامدهای منفی ناکارآمدی‌های گذشته را برجسته کند و ضرورت اصلاحات فوری را تقویت نماید؛
 3. خود را به عنوان رهبر اصلاح‌گر و مدافع عدالت اجتماعی معرفی کند؛
 4. تعادل قدرت در عرصه سیاسی را با جهت‌دهی گفتمانی به نفع سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی خود تغییر دهد.
- این تحلیل نشان می‌دهد که زبان در گفتمان سیاسی صرفاً ابزار ارتباطی نیست، بلکه عرصه‌ای برای تولید و بازتولید قدرت است (نجفی، ۱۳۹۸؛ حیدری، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر، هر گزاره و هر نشانگر، بخشی از معماری قدرت سیاسی و اجتماعی را شکل می‌دهد و می‌تواند به بازتعریف مسئولیت‌ها، مشروعیت سیاست‌ها و جهت‌دهی به افکار عمومی کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر تأکید دارد که تحلیل پیکره‌محور و شناختی نشانگرهای گفتمانی، نه تنها درک عمیق‌تری از سیاستمداران و سبک رهبری آن‌ها ارائه می‌دهد، بلکه ابزاری عملی برای تحلیل قدرت، مشروعیت و استراتژی‌های زبانی در گفتمان سیاسی ایران فراهم می‌کند.
- در پاسخ به سوال دوم می‌توان گفت که نشانگرهای گفتمانی در گفتمان سیاسی ابزارهایی کلیدی برای شکل‌دهی به استدلال‌ها و چارچوب‌بندی مسائل هستند، زیرا ساختار و جریان گفتار را هدایت می‌کنند و بر نحوه دریافت پیام توسط مخاطب تأثیر می‌گذارند. نشانگرهایی مانند «یعنی» و «مثلاً» با ساده‌سازی یا توضیح مفاهیم پیچیده، به گوینده کمک می‌کنند تا استدلال‌های خود را برای مخاطبان قابل‌فهم‌تر کنند. این نشانگرها با ارائه مثال یا بازنویسی ایده‌ها، چارچوبی فراهم می‌کنند که مخاطب بتواند مسئله را از زاویه دید گوینده درک کند (کامینگر، ۲۰۲۰).
- برای نمونه، در یک مناظره سیاسی، استفاده از «مثلاً» برای ارائه یک مورد ملموس (مانند تأثیر یک سیاست بر یک گروه خاص) می‌تواند استدلال را برای مخاطب ملموس‌تر و قانع‌کننده‌تر کند. از سوی دیگر، نشانگری مانند «اما» در ایجاد تضاد یا ارائه دیدگاه‌های متضاد نقش دارند و به چارچوب‌بندی مسائل به صورت چندوجهی کمک می‌کنند. این نشانگر به گوینده امکان می‌دهند تا ضمن به چالش کشیدن استدلال رقیب یا محدودیت‌های یک ایده، استدلال خود را تقویت کنند. نشانگرهای علی و نتیجه‌ای مانند «چون»، «بنابراین» و «در نتیجه» در ساخت استدلال‌های منطقی و منسجم نقش مهمی دارند. این نشانگرها با اتصال دلایل به نتایج، به گوینده کمک می‌کنند تا استدلال خود را به صورت یک زنجیره منطقی ارائه دهد، که در گفتمان سیاسی برای اقناع مخاطب حیاتی است (سی فالینو و همکاران، ۲۰۲۳). برای مثال، یک سیاستمدار ممکن است بگوید: «چون اقتصاد در حال رکود است، بنابراین باید مالیات‌ها را کاهش دهیم.» این ساختار نه تنها استدلال را شفاف می‌کند، بلکه با ایجاد یک چارچوب علی، مسئله را به گونه‌ای مطرح می‌کند که تصمیم‌پیشهادی منطقی و ضروری به نظر برسد. در نهایت،

نشانگری مانند «البته» برای مدیریت تعامل با مخاطب و هدایت توجه او به کار می‌روند که در چارچوب‌بندی عاطفی و روانی مسائل سیاسی نقش دارند. این نشانگر با جلب توجه یا ایجاد حس توافق به گوینده کمک می‌کنند تا مخاطب را در چارچوب ذهنی مطلوب خود نگه دارد. در گفتمان سیاسی، این ابزارها به‌ویژه در سخنرانی‌ها یا مناظره‌های شفاهی برای حفظ ارتباط عاطفی با مخاطب و هدایت جریان گفتار به سمت هدف موردنظر گوینده بسیار مؤثر هستند. به این ترتیب، نشانگرهای گفتمانی نه تنها استدلال‌ها را شکل می‌دهند، بلکه چارچوب کلی گفتمان را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که هم منطقی و هم تأثیرگذار باشد (بلک‌مور، ۲۰۰۲).

در پاسخ به سوال سوم می‌توان گفت نشانگرهای گفتمانی، به عنوان ابزارهای زبانی، نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتمان سیاسی و انتقال اهداف و ایدئولوژی‌های یک سیاستمدار دارند (وانگ، ۲۰۲۲). در مورد مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، که گفتمان او بر محور وفاق ملی، مصالحه سیاسی و فرصت‌محوری بنا شده است استفاده از نشانگرهای گفتمانی می‌تواند به‌طور مستقیم با اهداف سیاسی و ایدئولوژیک او پیوند داشته باشد. این نشانگرها نه تنها استدلال‌های او را ساختارمند می‌کنند بلکه به چارچوب‌بندی مسائل به گونه‌ای کمک می‌کنند که با ارزش‌های محوری گفتمان‌ش مانند همگرایی، عدالت‌خواهی و تعامل سازنده همراستا باشد. برای مثال نشانگرهایی مانند «مثلاً» و «در واقع» در سخنان پزشکیان برای توضیح و ساده‌سازی مفاهیم پیچیده به کار می‌روند تا مخاطبان گسترده‌تری را به گفتمان وفاق محور او جذب کنند. این ابزارها به او این امکان می‌دهند تا با زبانی شفاف و مردمی ایده‌های اصلاح‌طلبانه و عمل‌گرایانه خود را به شکلی قابل فهم ارائه دهد. اهداف سیاسی پزشکیان که بر اساس منابع موجود شامل ایجاد وحدت میان جریان‌های سیاسی، کاهش شکاف‌های اجتماعی و تقویت انسجام ملی است، از طریق نشانگرهای گفتمانی مانند «البته»، «بنابراین» و «در نتیجه» تقویت می‌شوند. این نشانگرها به او کمک می‌کنند تا استدلال‌هایش را به صورت منطقی و منسجم ارائه کند و بر ضرورت مصالحه و همکاری تأکید ورزد. برای نمونه، استفاده از «بنابراین» در سخنرانی‌های او برای نتیجه‌گیری از تحلیل‌هایش درباره مشکلات داخلی و خارجی، مانند تحریم‌ها یا اختلافات سیاسی، به مخاطب این حس را القا می‌کند که راه‌حلهای پیشنهادی او منطقی و مبتنی بر واقعیات هستند. این رویکرد با ایدئولوژی او که بر پایه آشتی ملی و پرهیز از تقابل‌های خصمانه است همخوانی دارد و به چارچوب‌بندی مسائل به گونه‌ای کمک می‌کند که گفتمان او به عنوان یک گفتمان صلح‌طلب و عمل‌گرا برجسته شود. در بعد ایدئولوژیک، پزشکیان با تأکید بر ارزش‌هایی مانند عدالت‌خواهی، کرامت انسانی و وطن‌دوستی خداپرستانه از نشانگرهایی مانند «در واقع» و «یعنی» برای جلب توجه مخاطب به نکات کلیدی و اصلاح برداشت‌های نادرست استفاده می‌کند. برای مثال، در مصاحبه با تاکر کارلسون (آژانس خبری تحلیلی نصر، ۱۴۰۴)، او با استفاده از «در واقع» برای توضیح شعار «مرگ بر آمریکا» به عنوان نقد مداخله‌گری، نه نفی مردم آمریکا، سعی در بازسازی روایت‌های مخدوش درباره ایران دارد. این

نشانگرها به او امکان می‌دهند تا ایدئولوژی خود را که ترکیبی از ملی‌گرایی اخلاقی و دینداری شیعی است به شکلی ارائه دهد که هم برای مخاطب داخلی و هم بین‌المللی قابل قبول باشد. این رویکرد به او کمک می‌کند تا تصویری از ایران به‌عنوان کشوری صلح‌طلب و در عین حال مقاوم در برابر تهدیدات خارجی ارائه دهد که با هدف سیاسی تقویت جایگاه ایران در نظم جهانی همراستاست. در سیاست خارجی پزشک‌یان با استفاده از نشانگرهایی مانند «اگر»، «چون» و «به هر حال» به چارچوب‌بندی مسائل پیچیده مانند مذاکرات هسته‌ای یا روابط با همسایگان می‌پردازد. این نشانگرها به او امکان می‌دهند تا ضمن به‌رسمیت‌شناختن چالش‌ها، راه‌حلهایی عمل‌گرایانه و مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت پیشنهاد دهد. برای نمونه، تأکید او بر گفت‌وگو و گشایش با جهان خارج با استفاده از نشانگرهایی مانند «مثلاً» برای اشاره به همکاری با کشورهای منطقه، به تقویت گفتمان فرصت‌محور او کمک می‌کند. این انتخاب زبانی با هدف ایدئولوژیک او برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و کاهش تنش‌های بین‌المللی هم‌خوانی دارد، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند رفع تحریم‌ها و تقویت روابط منطقه‌ای، که از اولوی‌های اعلام‌شده او هستند. در نهایت، پیوند میان نشانگرهای گفتمانی و اهداف پزشک‌یان در توانایی این ابزارها در ایجاد ارتباط عاطفی و منطقی با مخاطب نهفته است. به این ترتیب، استفاده استراتژیک از نشانگرهای گفتمانی، پزشک‌یان را قادر می‌سازد تا اهداف سیاسی و ایدئولوژیک خود را در قالب گفتمانی وحدت‌بخش و فرصت‌محور به پیش ببرد که هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی تأثیرگذار است.

فهرست منابع

- Aijmer, K. (2013). *English discourse particles: Evidence from a corpus*. Amsterdam: John Benjamins.
- Aydın, B. C. (2024). The role of critical discourse analysis in translation: A case of the political speech. *Istanbul University Journal of Translation Studies*, 20, 66–81.
- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (1999). *Longman grammar of spoken and written English*. London: Longman.
- Blakemore, D. (2002). *Relevance and linguistic meaning: The semantics and pragmatics of discourse markers*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1991). *Language and symbolic power* (J. B. Thompson, Trans.). Harvard University Press.
- Cap, P. (2017). *The language of fear: communication threat in public discourse*. Palgrave: McMillan
- Chilton, P., & Schäffner, C. (2002). *Politics as text and talk: Analytic approaches to political discourse*. Amsterdam: John Benjamins.

- Cifalinò, A., Di Silvestro, E., & Venuti, M. (2023). A corpus-based CDA of populist politicians' strategies and public response on Twitter during the COVID-19 pandemic. *Lingue Culture Mediazioni – Languages Cultures Mediation (LCM Journal)*, 10(2), 119–142. <https://doi.org/10.7358/lcm-2023-002-cifa>
- Cummings, S. (2020). How to use critical discourse analysis for policy analysis: A guideline for policymakers and other professionals. *Knowledge Management for Development Journal*, 15(1). <https://doi.org/10.18488/journal.473.2020.151.1.1>
- Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive linguistics: An introduction*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. Longman.
- Fairclough, N. (2010). *Critical discourse analysis: The critical study of language* (2nd ed.). Routledge.
- Fraser, B. (1999). What are discourse markers? *Journal of Pragmatics*, 31(7), 931–952.
- Fraser, B. (2009). An account of discourse markers. *International Review of Pragmatics*, 1(2), 293–320.
- Gee, J. P. (2014). *An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method* (4th Ed.). London and New York: Routledge.
- Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. Longman.
- Howarth, D., & Stavrakakis, Y. (2000). *Discourse theory and political analysis: Identities, hegemonies and social change*. Manchester: Manchester University Press.
- Laclau, E. & C. Mouffe (1985), *Hegemony and Socialist Strategy -Towards a Radical Democratic Politics*, London and New York: Verso.
- Nasir, M., Nazar, F., Jamil, M., Ahmad, J., & Ameer, Z. (2023). Reconstruction of political dogmas: A critical discourse study of political pages on Facebook. *Al-Qanṭara*, 9(4), 134–146.
- Nawaz, M. H., Ikhtiar, A., Raza, A. M., & Nouman, M. (2023). Critical discourse analysis of political speeches in Pakistan: Power, ideology and language manipulation. *Futurity Proceedings*, 2(1), 77–86. <https://doi.org/10.54690/fp.2023.020108>
- Paltridge, B. (2021). *Discourse Analysis: An Introduction* (3rd ed.). Bloomsbury Academic.
- Randour, F., Perez, J., & Reuchamps, M. (2020). Twenty years of research on political discourse: A systematic review and directions for future research. *Discourse & Society*, 31(4), 428–444. <https://doi.org/10.1177/0957926520903526>
- Sanders, T., & Spooren, W. (2015). Causality and subjectivity in discourse: The meaning and use of causal connectives in discourse. *Discourse Processes*, 52(2), 75–93. <https://doi.org/10.1080/0163853X.2014.904359>

- Sanders, T., & Sweetser, E. (2009). Causal relations in discourse: Evidence from connectives. *Discourse Studies*, 11(2), 155–182.
<https://doi.org/10.1177/1461445608101115>
- Schourup, L. (1999). *Discourse markers*. Cambridge University Press.
- Schiffrin, D. (1987). *Discourse markers*. Cambridge University Press.
- Sweetser, E. (1990). *From etymology to pragmatics: Metaphorical and cultural aspects of semantic structure*. Cambridge University Press
- Van Dijk, T. A. (1993). Principles of Critical Discourse Analysis. *Discourse & Society*, 4(2), 249–283.
- Van Dijk, T. A. (2005). Politics, ideology and discourse. In K. Brown (Ed.), *Encyclopedia of language and linguistics* (2nd ed., pp. 728–740). Oxford: Elsevier.
- Van Dijk, T. A. (2008). *Discourse and power*. Palgrave Macmillan.
- Wang, J. (2022). New political and communication agenda for political discourse analysis: Critical reflections on critical discourse analysis and political discourse analysis. *International Journal of Communication*, 16, 3801–3819.
- آژانس خبری و تحلیلی نصر (۱۴۰۴، ۴ تیر). فیلم مصاحبه کامل تاکر کارلسون با مسعود پزشکیان. کد خبر: ۱۴۰۴۰۹ بازیابی شده از: <https://nasrnews.ir/video/140494>
- احمدی، م. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان سیاسی در رسانه‌های ایرانی: ابزارها و کارکردها. تهران: انتشارات سمت.
- پایگاه خبری و تحلیلی انصاف نیوز. (۱۴۰۲، ۲۴ خرداد). پزشکیان: عدالت، دریافت خدمات رایگان توسط تمامی مردم نیست. کد خبر: ۱۷۴۳۷۹. بازیابی شده از: <https://ensafnews.com/174379/>
- پایگاه خبری و تحلیلی انصاف نیوز. (۱۴۰۳، ۲۳ تیر). گفتمان پزشکیان. کد خبر: ۵۳۳۲۷۴ بازیابی شده از: <https://ensafnews.com/533274>
- پایگاه خبری انتخاب. (۱۴۰۳، ۲۴ دی). پزشکیان: با شعار دادن که مشکل حل نمی‌شود / جرات ندارم یک سری حرف‌ها را بین مردم بزنم. کد خبر: ۸۴۴۵۴۹. بازیابی شده از: <https://www.entekhab.ir/fa/news/844549/>
- پزشکیان، م. (۱۴۰۱). سخنرانی در دانشگاه تهران: آموزش رایگان و عدالت آموزشی. سایت آپارات. <https://www.aparat.com/v/famc47e>
- حسینی، م. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان سیاسی در ایران: رویکرد پیکره‌محور. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). (۱۴۰۳، ۲۱ خرداد). دکتر پزشکیان: قرار نیست مسیر را عوض کنیم. کد خبر: ۸۵۵۰۴۷۵۰. بازیابی شده از: <https://www.irna.ir/news/>

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). (۱۴۰۳، ۸ آبان). رئیس‌جمهور: لایحه بودجه ۱۴۰۴ شفاف است/ توجه به ثبات، رشد اقتصادی، اشتغال و عدالت. کد خبر: ۸۵۶۴۱۹۱۸ بازیابی شده از:

<https://www.irna.ir/news/85641918/>

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). (۱۴۰۳، ۲۷ آذر). پزشک‌ها: اختلافات بخاطر این است که به حقوق دیگران احترام نمی‌گذاریم. کد خبر: ۸۵۶۹۲۳۱۶ بازیابی شده از:

<https://www.irna.ir/news/85692316/>

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). (۱۴۰۳، ۷ مرداد). پزشک‌ها: خدمت به مردم سرلوحه همه مدیران و وزیران باشد/ از امروز باید پاسخگو باشیم. کد خبر: ۸۵۵۵۰۸۱۵ بازیابی شده از:

<https://www.irna.ir/news/85550815/>

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). (۱۴۰۳، ۲۶ شهریور). ۱۰ سکانس برگزیده از اولین نشست خبری پزشک‌ها. کد خبر: ۸۵۵۹۸۵۰۹ بازیابی شده از:

<https://www.irna.ir/news/85598509/>

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). (۱۴۰۴، ۷ تیر). پزشک‌ها: اگر پناه مردم باشیم، هیچ‌گاه به سوی بیگانگان گرایش نخواهند یافت. کد خبر: ۸۵۸۷۵۳۱۲ بازیابی شده از:

<https://www.irna.ir/news/85875312/>

خبرگزاری تسنیم. (۱۴۰۲، ۱۰ اسفند). نگاهی به عملکرد دولت سیزدهم در حوزه سلامت؛ از افزایش ۱۶۰۰۰ تخت بیمارستانی تا صفر شدن صف کاشت حلقون شنوایی. کد خبر: ۳۰۴۶۲۷۸. بازیابی شده از:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/12/10/3046278>

خبرگزاری مشرق. (۱۴۰۳، ۱۰ شهریور). پزشک‌ها در نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم؛ شاخص دولت ما، رضایت مردم است/ قانون مدون برای فضای مجازی تدوین می‌کنیم/ مشکل پرستاران و گندم‌کاران حل می‌شود/ سفرهای استانی ادامه خواهد یافت. کد خبر: ۱۶۳۸۳۸۳ بازیابی شده از:

<https://www.mashreghnews.ir/news/1638383/>

خبرگزاری میزان. (۱۴۰۳، ۲ تیر). سخنان کامل پزشک‌ها در سومین مناظره انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳. کد خبر: ۴۷۷۹۳۸۵. بازیابی شده از:

<https://www.mizanonline.ir/fa/news/4779385/>

خبرگزاری مهر (۱۴۰۳، ۲۱ خرداد). پزشک‌ها در اولین گفتگوی تلویزیونی انتخابات ریاست جمهوری چه گفت؟. کد خبر: ۶۱۳۲۷۵۱ بازیابی شده از:

<https://www.mehrnews.com/news/6132751/>

حیدری، س. (۱۳۹۹). گفتمان و قدرت: مطالعه‌ای بر سخنرانی‌های سیاسی ایران. مشهد: دانشگاه فردوسی.

رفیعی، ن. (۱۴۰۱). بررسی گفتمان انتخاباتی در ایران: نقش نشانگرهای گفتمانی. فصلنامه زبان و گفتمان، ۱۲(۳)، ۴۵-۷۸.

رویداد ۲۴ (۱۴۰۳، ۲۰ دی). سخنرانی کامل پزشکيان در همایش گفت‌وگوی ملی درباره وفاق ملی. کد خبر: ۳۹۷۱۹۶ بازیابی شده از:

<https://www.rouydad24.ir/fa/news/397196>

ریاست جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۲). سخنان رئیس جمهور در دیدار با مسئولان حوزه سلامت. پایگاه اطلاع رسانی

ریاست جمهوری. بازیابی شده از: <https://president.ir/fa/82484>

روزنامه فرارو. (۱۴۰۳، ۲۹ خرداد). مسعود پزشکيان در اولین مناظره انتخابات ریاست جمهوری چه گفت؟ کد خبر: ۷۴۵۹۸۸ بازیابی شده از:

<https://fararu.com/fa/news/745988/>

صادقی، ع.، محمدی، ف.، و رحیمی، س. (۱۳۹۹). مناظره‌های انتخاباتی و بازتولید قدرت سیاسی: تحلیل گفتمان. پژوهشنامه علوم انسانی، ۲۱(۴)، ۱۰۱-۱۳۰.

نجفی، ف. (۱۳۹۸). زبان و سیاست در ایران معاصر: بازنمایی قدرت از طریق گفتمان. تهران: نشر نی.

همشهری آنلاین (۱۴۰۳، ۱۱ بهمن). پزشکيان: بالاخره باید گفتگو کنیم؛ چاره‌ای جز گفتگو نیست. جهل آنجاست که فکر کنیم همه چیز بلدیم. کد خبر: ۹۲۱۶۱۵ بازیابی شده از:

<https://www.hamshahrionline.ir/news/921615>

Political Discourse Analysis of Masoud Pezeshkian: A Corpus-Based Study of Discourse Markers

Abstract

Discourse markers, as small yet highly functional linguistic units, play a pivotal role in shaping textual cohesion, guiding argumentation, and managing power relations in political discourse. Adopting a corpus-based and cognitive approach, this study investigates ten selected discourse markers in the speeches, debates, and interviews of Masoud Pezeshkian between April 2021 and August 2025. The linguistic corpus comprises data collected through purposive sampling from parliamentary sessions, electoral debates, media interviews, and public meetings. Data analysis is conducted within the framework of Critical Discourse Analysis (Fairclough, 1995; van Dijk, 2008), integrated with insights from Cognitive Linguistics. The findings reveal that Pezeshkian strategically employs markers such as *but*, *of course*, *in fact*, and *if* not only to establish cohesion and facilitate interaction, but also to frame issues, delineate ideological boundaries, and reinforce the legitimacy of his political stance. Beyond their linguistic functions, these markers serve as instruments for constructing and exercising power at the discourse level. The results of this study contribute to the existing literature on the nexus between language and politics and hold practical implications for the analysis of political leaders' discourse and the design of strategic messages in political and diplomatic contexts.

Keywords: Discourse markers, political discourse, Critical Discourse Analysis, Cognitive Linguistics, Masoud Pezeshkian, corpus-based analysis